

THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies

Volume 15, Consecutive Number 35, Spring 2024

Pages 07-34 (research article)

Received: 5 December 2022 Revised: 07 June 2023 Accepted: 10 June 2023

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.

journal of
Linguistic and Rhetorical Studies



Similes for Mainyu, Ahura Mazdā and Ahriman in the *Avesta*, *Bundahishn* and *Mainyu-i ye Xrad*

Kazemian. Saba^{1*}-Dezfolian. Kazem²-Katami. Ahmad³

1: Ph.D. student, Persian language and literature, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran: Correspondence author (saba.kazemian@yahoo.com)

2: Professor, Persian Language and Literature, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

3: Professor, Persian Language and Literature, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

Abstract: The concepts of Ahura Mazdā and Ahriman in the Zoroastrian religious culture are intertwined with the concept of Mainyu, such that Ahura Mazda holds Spenta Mainyu within himself, and Ahriman is another verbal form of Angra Mainyu. In addition to these two antagonistic deities, Mainyu also applies to other concepts in Zoroastrian scriptures. These three concepts are still ambiguous and confusing, despite ongoing research, due to factors such as antiquity, semantic multiplicity, abstraction, and changes that have occurred over time in their meanings. The authors of this article have attempted to analyze and demonstrate these concepts from the perspective of the similes that have been formed around them, using a descriptive-analytical method and by extracting data from Zoroastrian scriptures. This is to show how simile, as one of the most important tools of cognition, has been used to visualize these abstract concepts and what visual and semantic characteristics have been explained for them. The results of the study show, firstly, that the authors of the scriptures under discussion have consciously used similes to relate the intellectual to the sensory as well as the tangible and the popular to bring these three concepts closer to the understanding and perception of the general public. Secondly, using simile to compare the concept of Mainyu to martial art terminology has defined a role for it beyond mere personification, identifying it as the agent and combatant soul of the world of Asha. Thirdly, while the similes referring to Ahura Mazdā maintain aesthetic criteria, the images associated with Ahriman have been chosen from among the most terrifying and striking phenomena in the view of that era.

Keywords: Simile, Ahura Mazdā, Ahriman, Mainyu, Zoroastrianism, *Avesta*, *Bundahishn*.

- S. Kazemian; K. Dezfilian; A. Khatami (2024). Similes for Mainyu, Ahura Mazdā and Ahriman in the *Avesta*, *Bundahishn* and *Mainyu-i ye Xrad*, *THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies* 15(35), 7-34.

Doi: [10.22075/jlrs.2023.29174.2208](https://doi.org/10.22075/jlrs.2023.29174.2208)

مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال پانزدهم - شماره ۳۵ - بهار ۱۴۰۳

صفحات ۷-۳۴ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۹/۱۴ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۳/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

مینو، اهوره مزدا و اهریمن در تشبیهات اوستا

بندهش و مینوی خرد

صبا کاظمیان^۱ / کاظم دزفولیان^۲ / احمد خاتمی^۳

۱: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) saba.kazemian@yahoo.com

۲: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده: مفاهیم اهوره مزدا و اهریمن در فرهنگ دینی مزدیسنا با مفهوم مینو گره خورده‌اند؛ چنان‌که اهوره مزدا، سپته مینو را در بطن خود دارد و اهریمن نیز صورت زبانی دیگری از انگره مینوست. مینو در متون دینی مزدیسنا افزون بر این دو آفریدگار متخاصم، بر مفاهیم دیگری نیز صدق می‌کند. این سه مفهوم بنا به عواملی چون دیرینگی، چندگانگی معنایی و انتزاعی بودن، تغییراتی که طی زمان در معانی آن‌ها راه یافته است، با وجود پژوهش‌های انجام شده، همچنان به ابهام و ایهام آمیخته‌اند. نگارندگان این مقاله کوشیده‌اند با استخراج داده‌ها از متون دینی مزدیسنا به شیوه توصیفی - تحلیلی، این موارد را از منظر تشبیهاتی که حول آنها شکل گرفته تحلیل کنند و نشان دهند فن تشبیه به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای شناخت، چگونه برای تجسم بخشیدن به این مفاهیم انتزاعی به کار گرفته شده و چه شاخصه‌های تصویری و معنایی برای آنها تبیین کرده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که اولاً پدیدآوردنندگان متون دینی مورد بحث، آگاهانه با استفاده از تشبیه عقلی به حسی و شبهه‌های عینی و عامه‌پسند، این سه مفهوم را به درک و دریافت عامه مردم نزدیک کرده‌اند. دوم این‌که تشبیه مفهوم مینو به عناصری از حوزه رزم و نبرد، نقشی فراتر از جان‌بخشی برای آن تعریف کرده و آن را جان‌کنشگر و مبارز جهان‌اشه شناسانده است. سوم این‌که تشبیهات اهوره مزدا با حفظ معیارهای زیبایی‌شناسانه ساخته شده، درحالی‌که تصاویر مرتبط با اهریمن از مهیب‌ترین و گزنده‌ترین پدیده‌ها در دیدگاه مردم آن روزگار انتخاب شده‌اند.

کلیدواژه: اوستا، اهریمن، اهوره مزدا، بندهش، تشبیه، مزدیسنا، مینو.

- کاظمیان، صبا؛ دزفولیان، کاظم؛ خاتمی، احمد (۱۴۰۳). مینو، اهوره مزدا و اهریمن در تشبیهات اوستا، بندهش

و مینوی خرد. مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۵، صفحات ۷-۳۴.

Doi: [10.22075/jlrs.2023.29174.2208](https://doi.org/10.22075/jlrs.2023.29174.2208)

۱. درآمد

فن تشبیه به عنوان شیوه‌ای کارآمد برای اندیشیدن، از زمانی که نخستین آثار مکتوب به زبان‌های ایرانی بر جای مانده، به کار رفته است. احتمالاً تشبیه در متون نخستین، بیش از آنکه کارکرد هنری داشته باشد، ابزاری برای بیان مفاهیم انتزاعی دینی و تجسم بخشیدن به آن‌ها بوده است. با پیچیده‌تر و کامل‌تر شدن تفکر بشر، تشبیهات و استعارات نیز دقیق‌تر و هنری‌تر شده‌اند. به نظر می‌رسد انسان از سویی با تماشای طبیعت و ادراک حسی پدیده‌ها به مفاهیمی چون وجود آفریدگار، زندگی پس از مرگ، نبرد نیروهای خیر و شرّ و... راه برده؛ اما بازگو کردن آن‌ها که مفاهیمی انتزاعی‌اند، جز از رهگذر محسوسات ممکن نبوده است. همایی در این باره می‌گوید: «تشبیه از امور طبیعی هر قوم و ملّتی است. ریشه تشبیه را از قیاس اصولی و تمثیل منطقی جست‌وجو باید کرد. همان‌گونه که مقایسه و سنجش امور، طبیعی بشر است، تشبیه نیز طبیعی بشر است» (۱۳۷۰: ۱۳۸). «این قضیه‌ای منطقی فلسفی است که بشر از محسوسات پی به معقولات می‌برد؛ پس ابتدا با محسوسات سروکار دارد و بعد از آن با معقولات آشنا می‌شود؛ بلکه اگر قدری دقیق‌تر بشویم، معقولات بشری چیزی به جز زبده و خلاصه محسوساتش نیست» (همایی، ۱۳۷۰: ۱۴۱). به کارگیری تشبیهات متعدد عقلی به حسی برای تبیین مفاهیم انتزاعی اوستا و دیگر متون دینی پیش از اسلام، همین نظر را تأیید می‌کند.

نقش تشبیه در متون دینی، از منظری دیگر نیز قابل توجه است. از آنجا که مفاهیم بنیادین دینی همچون آفریدگار، مسئله خیر و شرّ و... تعریف قطعی و مطلق ندارند، تشبیه آن‌ها به امور محسوس می‌تواند در شناخت نسبی این مفاهیم کارساز باشد. در واقع، «تشبیه، این امکان را فراهم می‌کند که به خدا و دیگر مفاهیم انتزاعی اشاره کنیم و درباره آن به بحث بپردازیم، بی‌آنکه مجبور باشیم تعریف دقیقی از آن ارائه دهیم و در معرض اشتباه و تفسیر نادرست قرار بگیریم» (هریسون^۱، ۲۰۰۷: ۱۳۷). در نظر سوسکیس^۲،

1. Harrison

2. Soskice

شناخت مفاهیم دینی از طریق استعاره [و به طریق اولی، تشبیه] منجر به نوعی انعطاف-پذیری در خوانش این متون می‌شود و بینش گسترده‌تری به همراه می‌آورد؛ زیرا شناختی که به واسطه تشبیه به دست می‌آید، مبهم و نسبی است و این ابهام، راه را بر خوانش‌های جدید و متفاوت باز می‌گذارد و انسان را از جزم‌اندیشی دور می‌سازد (همان).

بر این اساس، فن تشبیه می‌تواند مفاهیم عمدتاً انتزاعی متون دینی را با قراردادن در موضع مشبّه، بدون ارائه تعریفی دقیق، برای مخاطب ادراک‌پذیر و ملموس سازد. در واقع، «بیان حال مشبّه» که یکی از اغراض مهم تشبیه در بلاغت سنتی است، در فهم متون دینی کارکرد ویژه‌ای داشته است که نگارندگان با بررسی تشبیهات شکل‌گرفته حول سه مفهوم بنیادین آیین زرتشت، به تبیین آن اهتمام ورزیده‌اند.

۱-۱. طرح موضوع

یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم انتزاعی در متون دینی مزدیسنا، واژه مینو است که به تنهایی یا به صورت ترکیب‌های مختلف وصفی و اضافی در *اوستا* و متون دینی متأخر آمده است. این ترکیب‌ها عبارت‌اند از: سپننه‌مینو و انگره‌مینو یا اهریمن که هر دو جلوه‌ای از اراده‌آور مزداوند و آفرینش‌نیک و بد منسوب به آنهاست، سپندترین مینو که مختص ذات آفریدگار یگانه است، صفت مینوی که در تقابل با واژه گیتیگ آمده و معنایی معادل مجرد و غیرمادی دارد، همچنین واژه مینو که به تنهایی در مفهوم نزدیک به جان یا روان به کار رفته و همه موجودات و حتی مفاهیم انتزاعی از آن بهره‌ورند. واژه مینو در معنای اخیر آن، همچنین اهوره‌مزدا و اهریمن (انگره‌مینو) در *اوستا* و برخی متون دوره میانه، چند بار در جایگاه مشبّه قرار گرفته و به عناصر گیتیگ مانند شده‌اند. این امر، این فرضیه را مطرح می‌کند که فن تشبیه نزد مؤلفان متون دینی، ابزاری بوده که آگاهانه به کار می‌گرفتند تا مفاهیم تجریدی دینی را به تصویر بکشند و درک آن را برای عموم امکان‌پذیر سازند. نگارندگان با بررسی و تحلیل این تشبیهات، در پی پاسخ این پرسش‌ها بوده‌اند که فن تشبیه چگونه برای تجسم‌بخشیدن به سه مفهوم مینو، اهوره

مزدا و اهریمن به کار گرفته شده و این مفاهیم را به درک و دریافت مخاطبان نزدیک کرده است؟ همچنین این فن چه شاخصه‌های تصویری و معنایی برای آن‌ها تبیین کرده است؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

برخلاف حوزه علوم قرآنی که مباحث بلاغی در آن از دیرباز مورد توجه بلاغیون و برخی لغویون بوده و پژوهش‌های ارزنده‌ای در باب آن صورت گرفته، متون دینی مزدیسنا و مفاهیم آن از این منظر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، پیشینه این پژوهش در دو زمینه قابل بررسی است: نخست، پژوهش‌هایی که به‌طور مستقل به مینو و جنبه‌های مختلف آن پرداخته‌اند و دیگر، پژوهش‌هایی که تشبیهات به کاررفته در متون دینی مزدیسنا را بررسی کرده و کارکردهای آن را تا حدی مورد توجه قرار داده‌اند. با آنکه مینو یکی از مفاهیم بنیادین و چندوجهی دین مزدیسنا است، مقاله یا کتاب مستقلی در این باب منتشر نشده یا نگارندگان به آن دست نیافته‌اند. جستارها و نوشتارها درباره مینو غالباً در کتاب‌های مرتبط با دین زرتشت پراکنده است. تنها پژوهشی که تا حدی به جستار حاضر نزدیک است، مقاله‌ای است با عنوان «درباره نقش سپتامینو در کیهان‌شناسی زرتشتی»، نوشته کرینبروک^۱ (۱۹۹۳) که به ذکر شواهدی از متن *اوستا* پرداخته و مفهوم و کارکرد سپنتمینو و تغییرات آن را در بستر زمان بررسی کرده است و نشان داده سپنتمینو کم‌کم نقش فعال خود را در جهان‌بینی زرتشتی از دست داده و با اهوره‌مزدا یکی انگاشته شده است. در پی این تغییرات، این تصور به وجود آمده که انگره‌مینو از آغاز پیدایش، با اهوره‌مزدا شریک بوده است.

جکسون^۲ (۱۸۹۹) در مقاله «اورمزد یا انگاره ایرانی باستان از خدا»، برخی صفات و ویژگی‌های اهوره‌مزدا را بر اساس *اوستا* و متون فارسی میانه مورد بررسی قرار داده و اهوره‌مزدا را برخلاف خدایان باستانی یونان و روم و هند که هیئت و ویژگی‌های انسانی

1. Kereyenbroek

2. Jackson

دارند، خدایی قدسی، بلندمرتبه و آسمانی توصیف کرده است. به زعم او، از میان خدایان باستانی، تنها یهوه از این منظر با اهوره مزدا قابل مقایسه است؛ با این تفاوت که توانایی اهوره مزدا مطلق نیست؛ بلکه به وسیلهٔ رقیبی به نام اهریمن محدود شده است.

اکبری مفاخر (۱۳۸۸) به نقش آفرینی اهریمن در آفرینش و نبرد او با نیروهای اهوره مزدا پرداخته و سرنوشتش را در این متون بررسی کرده است و در پی پاسخ این پرسش بوده که مفهوم اهوره مزدا به عنوان یگانه خالق منش نیک و بد در گاهان، چگونه به دو گانهٔ اهوره مزدا و اهریمن در اوستای نوبدل شده است. حیدری (۱۳۹۱) در رساله‌ای با عنوان «صور خیال در اوستا»، فنون بیانی چهار دفتر اوستا را (به جز وندیداد) استخراج و تحلیل کرده است. پژوهش‌هایی که تاکنون، چه به صورت پراکنده ضمن کتاب‌های مرتبط با دین زرتشت، چه به صورت مستقل نگاشته شده، نقش بسزایی در شناخت این سه مفهوم بنیادین داشته‌اند؛ اما هیچ‌یک از منظر عنصر بلاغی تشبیه به تبیین این موضوعات نپرداخته و کارکرد این فن را در تجسم بخشیدن به آن‌ها مورد توجه قرار نداده‌اند.

این پژوهش، به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای تنظیم شده است. نگارندگان، نخست تشبیهات ساخته شده با سه مفهوم مینو، اهوره مزدا و اهریمن را از اوستا و برخی متون پهلوی استخراج کرده، سپس کارکرد این تشبیهات و مفاهیم عاید از آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند تا به چگونگی تأثیر تشبیه بر تجسم این سه مفهوم انتزاعی دست یابند.

۲. بحث

۲-۱. مینو و تشبیهات آن

در سرود دوم از کهن‌ترین بخش اوستا، از دو مینوی همزاد سخن رفته است (پسنه ۴۵، بند ۲). یکی سپند مینو که سازنده، پاک و جلوه‌ای از ارادهٔ اهوره مزداست و آفرینش نیکی‌ها منسوب به اوست؛ دیگری انگره مینو یا مینوی ناپاک و ویرانگر که در پی

گزندانسانیدن به آفریده‌های سپندمینو و برهم‌زدن نظم و سامان حاکم بر طبیعت (اشه) است. ناسازگاری و تقابل مطلق این دو مینو، اساس هستی را بنیان نهاده است. اهوره‌مزدا در گاهان، در جایگاهی فراتر از دو مینو ایستاده و به‌واسطهٔ صفت، نیرو یا پرتوی از خویش که همان سپندمینوست، به‌صورت غیرمستقیم، با اهریمن نبرد می‌کند (گات‌ها: ۷۱ و ۷۲)؛ اما در *اوستای نو* و متون دینی پهلوی، اهوره‌مزدا با نیروی یاری‌دهنده‌اش یکی پنداشته شده و مستقیماً در تقابل با انگره‌مینو است.

واژهٔ مینو در *اوستا* و متون پهلوی، علاوه بر دو صورت ذکر شده (سپندمینو و انگره مینو) به‌صورت ترکیبات وصفی یا اضافی دیگر نیز آمده است. یکی از پرتکرارترین آن‌ها در *اوستا*، سپندترین مینوست که مختصّ ذات آفریدگار یگانه است و چندین بار بدل از اهوره‌مزدا واقع شده و از سوی زرتشت مورد خطاب قرار گرفته است: ای اهوره‌مزدا! ای سپندترین مینو! ای دادار جهان استومند! ای اشون در مشره ورجاوند! (*اوستا*، هر مزدیشت، بند ۱)؛ همچنین اهوره‌مزدا آن را در زمرة نام‌های خویش برشمرده است (همان: ۱۲).

صورت دیگر مینو، واژه مینوی است که در *اوستا* به‌صورت صفت نسبی برای هر آنچه به سرای بهروزی ابدی تعلق دارد، آمده و مقابل جهان استومند و وابسته‌هایش قرار گرفته است (یسنا، هات ۴۰، بند ۲). چنان‌که در ترکیبات وصفی «ایزدان مینوی» (یشت‌ها، خردادیشت، بند ۸) و «مهر مینوی» (یشت‌ها، مهریشت، بند ۱۰۶) و در عبارت «چهار تکاور مینوی سپید درخشان جاودانه که خوراکشان از آبشخور مینوی است» (یشت‌ها، مهریشت، بند ۱۲۵) آمده، احتمالاً به‌معنای غیرمادّی یا متعلق به جهان غیرگیتیگ است. واژهٔ مینو به‌تنهایی نیز به‌صورت محدود در *اوستا* به کار رفته؛ اما در متون دورهٔ میانه نسبتاً پرکاربرد است و احتمالاً معنایی معادل جان، روان یا بُعدی روحانی و غیرمادّی دارد که همهٔ موجودات و حتّی مفاهیم انتزاعی از آن بهره‌ورند. به‌عنوان نمونه، مینوی خرد در کتابی به همین نام، بر مردی جوایای حقیقت متجلی می‌شود و به پرسش‌های او پاسخ می‌دهد. در این کتاب، از مینوی عدالت نیز سخن رفته است. در بندهش نیز به مینوی

پرهیزگاری و مواردی از این دست اشاره شده است (دادگی، ۱۴۰۰: ۱۱۵). مینو تنها به معنای اخیر در ساختار تشبیهات به کار رفته؛ بنابراین، تکیه نویسندگان مقاله بر همین وجه از معنای مینوست که بویس^۱ (۲۰۰۶-۱۹۲۰م) نیز به آن پرداخته است: «به گونه‌ای کلی در جوامع کهن و بدوی، شناخت و درک گیتی با شیوه‌های فکری مشخص و معین صورت می‌بندد و هندو- ایرانیان از این قاعده مستثنا نبوده‌اند. بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین این شیوه‌ها آئیماتیسم یا زنده‌گرایی است. مراد اینکه آدمیزاد نسبت به زنده‌بودن خویش، همین‌گونه شعور زنده‌بودن را به همه چیزهای دیگر منسوب می‌دارد؛ خواه آن چیز ساکن و پابرجا باشد یا مانند خود او متحرک و جنبان. صفت اختصاصی این شیوه تفکر را چنین می‌دانند که هریک از پدیده‌های طبیعی را نه به‌عنوان «آن»، بلکه به‌مثابه «تو» یا جاندار شیبی خود می‌پندارند. این نیروی فرضی و باشعور را که می‌پنداشتند در هر وجودی نهفته است، هندو- ایرانیان بدوی، مینو می‌خواندند» (۱۳۷۷: ۸۰ و ۸۱).

مطالعات پژوهش‌شان می‌دهد واژه مینو تنها سه بار در بندهش و نه بار در مینوی خرد در ساختار تشبیهات جای گرفته است و در کتاب‌های *اوستا*، *درخت آسوریک*، *یادگار زریران*، *ارداویرافنامه*، *گزیده‌های زادسپرم*، *کتاب پنجم دینکرد* و *متن‌های پهلوی*، تشبیهی بر پایه مینو و صورت‌های مختلف آن وجود ندارد.

تشبیهات مذکور در بندهش به شرح زیر است:

- مینوی آسمان (که) اندیشمند و سخنور و کنشمند و آگاه و افزونگر و برگزیننده است، پذیرفت دوره دفاع بر ضد اهریمن را که باز تاختن (وی را به جهان تاریکی) نهد. مینوی آسمان - چونان گرد ارتشتاری که زره پوشیده باشد تا بی‌بیم از کارزار رهایی یابد - آسمان را بدان‌گونه (بر تن) دارد (دادگی، ۱۴۰۰: ۴۰).

• مشبه: مینوی آسمان برای آسمان / مشبه‌به: زره برای گردی ارتشتار / وجه شبه: پوشانیدن، محافظت کردن/

• تشبیه مفصل مرسل مرکب/ عقلی به حسی

- مینوی آسمان همچون ارتشتاری اروند که زره فلزین دارد که خود آسمان است، مقابله (با) اهریمن را مهیا ساخت و تهدید کرد (همان: ۶۳).

• مشبه: مینوی آسمان/ مشبه‌به: ارتشتاری اروند

• تشبیه مجمل مرسل مفرد/ عقلی به حسی

• پس (بر اثر) مینوی باد (که) نیز چون جان نیامیخته بود، باد دروایی، چون جان (که) در تن جنبد، فراز جنیده شد. آن باد همه آن آب را بمالانید، به کرانه زمین آورد، دریای فراخکرت از او پیدا شد. آن خرفستران مرده به زمین فروماندند (همان: ۶۴).

• مشبه: مینوی باد/ مشبه‌به: جان نیامیخته

• تشبیه مجمل مرسل مفرد/ عقلی به عقلی

بر اساس شواهد ذکر شده، مینو در همه تشبیهات در جایگاه مضاف قرار دارد و به عناصر طبیعت اختصاص یافته است. مینوی آسمان (دو بار) و مینوی باد (یک بار). مینوی آسمان یک بار به ارتشتاری اروند مانند شده که با اهریمن نبرد می‌کند و دیگر بار به زرهی که تن گرد ارتشتار آسمان را پوشانده است تا آن را از گزند اهریمن مصون بدارد. انتخاب واژه‌هایی از حوزه رزم و مبارزه به عنوان مشبه‌به نشان می‌دهد آسمان و مینوی او، هر دو، در نبرد با اهریمن کنش‌مند و فعال‌اند. مینوی آسمان علاوه بر این، وظیفه حفاظت از آسمان را نیز بر عهده دارد.

مینوی باد به جان نیامیخته مانند شده؛ یعنی جانی که به تن راه نیافته و با عالم گیتیگ در نیامیخته است (نک: جدول شماره ۱). در این تشبیه، مینوی باد صریحاً در معنایی معادل جان یا روان به کار رفته است و با پیوستن به باد دروایی که بهار آن را باد فضایی معنا کرده است (همان: ۱۷۰)، او را به جنبش درمی‌آورد. این تشبیه نشان می‌دهد که

موجودات به واسطه مینو حرکت و زندگی می‌یابند و هر پدیده‌ای که از مینو برخوردار باشد، جاندار و پویاست. این طرز تلقی، نمایانگر تفکر زنده‌انگاری یا آنیمیزم در دین مزدیسناست.

از این سه تشبیه، دو مورد از نوع عقلی به حسی و یک مورد عقلی به عقلی است. «تشبیه عقلی به حسی، رایج‌ترین و پسندیده‌ترین نوع تشبیه است؛ چراکه هدف تشبیه، یعنی آشکارشدن و کشف ویژگی‌های یک پدیده مبهم بهتر برآورده می‌شود» (کرامتی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۵۰). بر همین اساس، این نوع تشبیه در شناخت مفاهیم انتزاعی دینی، پرکاربرد است.

تشبیه مینوی باد به جان نیامیخته، از نوع عقلی به عقلی است. این نوع تشبیه در متون کمتر به کار گرفته می‌شود؛ زیرا تجسم یک تصویر ذهنی به وسیله یک تصویر ذهنی دیگر، دشوار است و یکی از اغراض مهم تشبیه که بیان حال مشبه است، از چنین تشبیهی به خوبی عاید نمی‌شود. البته باید به این نکته توجه داشت که مجهول یا معلوم بودن مفاهیم ذهنی، نسبی و دارای درجاتی است و برخی از این مفاهیم به دلایلی چون دیرینگی استفاده، نزد اذهان شناخته شده‌ترند. در جواهرالبلاغه آمده است: «هرگاه غرض از تشبیه، بیان حال مشبه است، مشبه به باید در وجه شبه شناخته شده‌تر از مشبه باشد» (۱۳۷۷: ۲۴۱)؛ بنابراین، واژه مینو که احتمالاً متضمن معانی ویژه و تازه‌ای در فرهنگ دینی زرتشت است، به واسطه ماندشدن به جان که احتمالاً معنای عامتر و شناخته‌شده‌تری داشته، به نحوی تبیین شده است.

این بند از کتاب مینوی خرد نیز که واژه مینو چند بار در ساختار تشبیهات آن به کار رفته، شاهد مناسبی برای رسیدن به هدف این پژوهش است:

• مینوی خرد پاسخ داد که اورمزد و امشاسپندان و بهشت خوش‌بوی خرم را از آن خویش کردن و اهرمن بدکار و دیوان را شکست دادن و از دوزخ تاریک بی‌بها رستن چنین ممکن است: وقتی که مینوی خرد را به پشتیبانی گیرند و مینوی خرسندی را مانند

سلاح و زره و جوشن بر تن پوشند و مینوی راستی را همچون سپر دارند و مینوی سپاسداری را همچون گرز و مینوی کامل فکری را همچون کمان و مینوی رادی (بخشندگی) را همچون تیر و مینوی پیمان را همچون نیزه و مینوی کوشش را همچون آبدست (سلاح محافظ دست) دارند و مینوی تقدیر را به پناه گیرند و به این آیین، به بهشت و دیدار ایزدان می‌توان آمد و از اهرمن بدکار و دوزخ بی‌بها می‌توان رست (مینوی خرد، بند ۴۲).

• مشبه: مینوی خرسندی / مشبه‌به: سلاح و زره و جوشن

• مجمل مرسل مفرد / عقلی به حسّی

• مشبه: مینوی راستی / مشبه‌به: سپر

• مجمل مرسل مفرد / عقلی به حسّی

• مشبه: مینوی سپاسداری / مشبه‌به: گرز

• مجمل مرسل مفرد / عقلی به حسّی

• مشبه: مینوی کامل فکری / مشبه‌به: کمان

• مجمل مرسل مفرد / عقلی به حسّی

• مشبه: مینوی رادی / مشبه‌به: تیر

• مجمل مرسل مفرد / عقلی به حسّی

• مشبه: مینوی پیمان / مشبه‌به: نیزه

• مجمل مرسل مفرد / عقلی به حسّی

• مشبه: مینوی کوشش / مشبه‌به: آبدست

• مجمل مرسل مفرد / عقلی به حسی

واژه مینو در کتاب مینوی خرد، به چند خصلت نیک انسانی مضاف شده و در جایگاه مشبه قرار گرفته است. مشبه‌ها نیز جملگی از ادوات رزم‌اند. مینوی خرسندی به سلاح و زره و جوشن، مینوی راستی به سپر، مینوی سپاسداری به گرز، مینوی کامل فکری به کمان، مینوی رادی به تیر، مینوی پیمان به نیزه و مینوی کوشش به آبدست مانند شده است. این تشبیهات نشان می‌دهند دین مزدیسنا جهان را میدان مبارزه می‌شناسد و انسان بدون خصایل نیک اخلاقی، مانند جنگجوی بی‌سلاح در نبردگاه، محکوم به شکست است.

نکته قابل توجه دیگر اینکه اختصاص دادن مینو به عناصر طبیعی و مفاهیم انتزاعی در متون اوستایی سابقه ندارد؛ بلکه در اوستا فقط از مینوی اهوره‌مزدا و مینوی زرتشت سخن رفته است. از زبان زرتشت در گاهان چنین آمده:

«ای مزدا! ای اشه! بدین سخنان که از مینوی من بر می‌آید، نزد شما گله می‌گرام» (اوستا، هات ۳۲، بند ۹). احتمالاً ساخت چنین ترکیبات زبانی با واژه مینو، به دوره میانه منسوب است.

از مجموع این تشبیهات چنین بر می‌آید که مینو مختص موجودات زنده و جمادات نیست؛ بلکه مفاهیم عقلی نیز از آن بهره‌ورند. دیگر اینکه مینو تنها معادل جان، روان یا یک بُعد معنوی ایستا نیست؛ بلکه نیرویی است فعال و پویا که آفریدگان اهورایی به یاری آن، با نیروهای اهریمن نبرد می‌کنند. علاوه بر این، محافظت از انسان در برابر گزند اهریمن نیز برعهده مینوست؛ چنان که در تشبیه آخر، مینوی کوشش به سلاحی مانند شده که از دست انسان محافظت می‌کند؛ زیرا دست، بنا به علاقه سببیت، مجاز از کار و کوشش انسان برای معاش است.

۲-۲. اهوره‌مزدا و تشبیهات آن

اهوره‌مزدا خدای یگانه آیین مزدیسنا و آفریدگار مطلق روشنایی و مظهر نیکویی است. پیش از زرتشت، اقوام آریایی، پدیده‌های مختلف طبیعت را خدایانی می‌انگاشتند که برخی نعمت‌رسان و بخشاینده و برخی سبب‌ساز رنج انسان‌اند. آن‌ها خدایان دسته نخست را به شکرانه نعمت و امید بخشایش بیشتر می‌ستودند و خدایان دیگر را از بیم خشم و گزند. زرتشت در آیین خود، با چنین تفکری به مبارزه برخاست و ضمن طرد خدایان باستانی، اهوره‌مزدا را پروردگار یگانه جهان معرفی کرد که جز او کسی شایسته ستایش نیست. (یشت‌ها، ج ۱: ۳۶).

بر اساس آنچه بندهش درباره آفرینش آغازین آورده، هرمزد پیش از آفرینش خدای نبود و به واسطه آفرینش جهان، خدای و سامان‌بخش هستی شد. وجودش ازلی و ابدی است. در فراز پایه و روشنی بی‌کران جای دارد و دانش و آگاهی‌اش بی‌حد است. آگاه است که اهریمن جز به کارزار نابود نمی‌شود؛ پس برای تحقق این امر، آفریده‌های خود را در دو مرحله مینوی و مادی می‌پرورد و به واسطه آن‌ها در نهایت، اهریمن و آفریدگانش را مغلوب می‌کند و دوران آمیختگی خیر و شر به انجام می‌رسد (دادگي، ۱۴۰۰: ۳۳-۳۸).

برخلاف متن گاهان که اهوره‌مزدا را جدا از مینوی نیک و بد و در موضعی فراتر از آن قرار می‌داد (اوستا، هات ۳۰، بند ۱۰۳)، در اوستای متأخر و متون فارسی میانه، نشانی از سپندمینو نیست و اهوره‌مزدا مستقیماً با اهریمن نبرد می‌کند. این مطلب می‌تواند این احتمال را قوت بخشد که ضمن تغییراتی که به مرور زمان در تعالیم زرتشت راه یافته، اهوره‌مزدا با قوای نیک خود یکی انگاشته شده است.

در متون دینی مطالعه‌شده در این پژوهش، واژه اهوره‌مزدا و صورت‌های دیگر آن (مزدا و هرمزد) هشت بار در ساختار تشبیهات به کار رفته است: شش بار در قسمت‌های مختلف اوستا، یک بار در بندهش و یک بار در متن گزارش شطرنج و نهش نیواردشیر، به شرح زیر:

من می‌دانم ای مزدا که چرا کاری از پیش نتوانم برد؛ برای آنکه گله و رمه‌ام اندک و کارگرانم کم است. نزد تو گله مندم ای اهورا. خود بنگر! مرا پناه ده، چنان که دوستی به دوستی دهد [و آگاه ساز] مرا چه چیز است پاداش نیک منشان (گات‌ها، یسنا ۴۶، ۲).

- مشبه: اهورامزدا برای زرتشت / مشبه‌به: دوست برای دوست / وجه شبه: پناه‌دادن
- تشبیه مفصل مرسل مرکب/عقلی به حسی
- آن‌ها (همه سخنی که مزدا فرورستاده) از هم بگسلند (ببرند) همه پندار بد را، آن‌ها از هم بگسلند همه گفتار بد را، آن‌ها از هم بگسلند همه کردار بد را، آنچنان که به درستی توان پنداشت که آتش، هیزم خشک پاک‌شده و خوب برگزیده شده را از هم بگسلد، برافروزد، بسوزد (یسنا، هات ۷۱، ۸).
- مشبه: سخنان مزدا در برابر پندار بد، گفتار بد، کردار بد / مشبه‌به: آتش در برابر هیزم خشک / وجه شبه: از هم گسیختن، نابود کردن
- تشبیه مفصل مرسل مرکب/حسی به حسی
- (عدد) یک را بر گردانه‌ای آن‌گونه همانند کنم که هر مزد یکی است و هر نیکی را او داد (متن‌های پهلوی: ۱۵۵). (مقصود، گردانه تخته نیواردشیر یا همان تاس به اصطلاح امروزی است).
- مشبه: عدد یک در گردانه‌ای / مشبه‌به: هر مزد / وجه شبه: یکی بودن، نیکی بخشیدن
- تشبیه مفصل مرسل مفرد/حسی به عقلی
- روان چون هر مزد است همان‌گونه که هر مزد را گاه به روشنی بیکران و حضور به گرودمان است و او را نیرو همه‌جا رسیده است، روان را نیز جای به مغز سر و کده به دل است و نیروی او به همه تن رسیده است (دادگی، ۱۴۰۰: ۱۲۴).
- مشبه: روان / مشبه‌به: هر مزد / وجه شبه: همان‌گونه که هر مزد را گاه به روشنی بی‌کران و حضور به گرودمان است و او را نیرو همه‌جا رسیده است، روان را نیز جای به

مغز سر و کده به دل است و نیروی او به همه تن رسیده است (جایگاه ویژه و نیروورسانیدن).

• تشبیه مفصل مرسل مفرد/ عقلی به عقلی

- که روان سفید روشن درخشانش (مقصود اهورامزدا است) کلام مقدس (منترسپنت) است (یشت‌ها، فروردین‌یشت، کرده ۲۲، بند ۸۱).

• مشبه: روان اهورامزدا/ مشبه‌به: کلام مقدس

• تشبیه مجمل مؤکد (بلغ) مفرد/ عقلی به حسی

- و این بیست اسامی (نام‌های اهورامزدا که ذکر آن آمده است)، مانند جوشن پشت سر و زره پیش سینه، به ضدّ گروه غیرمرئی دروغ و نابکاران ورنا (اسم مملکتی است که به قول سنت همان مملکت پشتخوارگر است که عبارت است از دیلم یا گیلان فعلی) (یشت‌ها، هرمزدیشت، بند ۱۹، ص ۵۷) و کیازدهی (اسم مجرم و گناهکاری است. نک: همان) تبهکار و به ضدّ اهریمن مفسد ناپاک به کار رود؛ چنان که گویی هزار مرد از یک مرد تنها محافظت کنند (یشت‌ها، هرمزدیشت، بند ۱۹).

• مشبه: نام‌های اهورامزدا/ مشبه‌به: جوشن پشت سر و زره پیش سینه/ ادات: مانند

• تشبیه مفصل مرسل مفرد/ حسی به حسی

• مشبه: نام‌های اهورامزدا در برابر گروه نابکاران و اهریمن/ مشبه‌به: هزار مرد در

برابر یک مرد/ وجه شبه: محافظت کردن/ ادات: چنان که گویی

• تشبیه مفصل مرسل مرکب/ عقلی به حسی

- ای سپیتمان زرتشت! دین مزدا، اشون [انسان پیرو راستی] را از هرگونه اندیشه و گفتار و کردار بد پاک می‌کند؛ همچون بادی پرتوان و شتابان که دشت را (اوستا، وندیداد، فرگرد ۳، بند ۴۲).

• مشبه: دین مزدا برای اشون/ مشبه‌به: بادی پرتوان و شتابان برای دشت/ وجه شبه:

پاک کردن

• تشبیه مفصل مرسل مرکب / عقلی به حسّی

واژه اهوره مزدا در تشبیهات کتاب *اوستا* غالباً به تنهایی ذکر نشده؛ بلکه همراه با متعلقاتش به صورت ترکیب اضافی به کار رفته است. این ترکیبات عبارت‌اند از: روان اهوره مزدا، نام‌های او (دو بار)، سخنان او، دین او و همچنین نسبت او با زرتشت. این ویژگی در تشبیهات مرتبط با اهوره مزدا می‌تواند بیانگر این نکته باشد که ذات پروردگار از منظر دین مزدیسنا وصف‌ناشدنی است و در قالب تشبیه نمی‌گنجد؛ بنابراین، برای شناخت او باید به نشانه‌ها و متعلقات او توجه کرد. این ترکیبات همواره در جایگاه مشبّه قرار گرفته، به عناصری از حوزه محسوسات مانند شده‌اند. دو مورد از مشبّه‌ها عناصر طبیعت‌اند: آتش و باد، دو مورد نیز به موضوع رزم و نبرد مربوط می‌شوند: هزار مرد [جنگی] و جوشن. مشبّه به دیگر، کلام مقدّس است و دیگر، دوست (نک: جدول شماره ۲). نظر به اینکه این تشبیهات، معرف آفریدگار هستی است، از حسّاسیت ویژه‌ای برخوردار است و باید از ابهام و ایهام به دور باشد؛ بنابراین، غالباً وجه شبه نیز در ساختار آن ذکر شده است. در مجموع، با در نظر گرفتن وجه شبه‌ها، ویژگی‌های اهوره مزدا چنین است: سخنان او در ازم گسیختن بدی، قدرتمند و نابودگر است، نام‌های او از بندگان محافظت می‌کند، روان او پاک است و دین او از بین‌برنده بدی‌هاست.

تشبیهات اهوره مزدا جملگی از نوع معقول به محسوس‌اند. چنان‌که پیش‌تر آمد، مناسب‌ترین شیوه برای نزدیک کردن مفاهیم انتزاعی به اذهان مردم، گذراندن این مفاهیم از رهگذر حواس انسانی است که این غرض با تشبیه عقلی به حسّی عاید می‌شود. قدیمی‌ترین تشبیهی که واژه هر مزد در آن آمده، به گات‌های *اوستا* تعلق دارد. در این تشبیه که از نوع مرکب است، زرتشت از اهوره مزدا می‌خواهد برای او چنان باشد که دوستی برای دوست. رابطه دوسویّه انسان و پروردگار بر مبنای دوستی، مهرورزی و عشق، بعدها در ادبیات عرفانی فارسی بسیار مورد توجه قرار گرفت و دست‌مایه خلق آثار ادبی برجسته‌ای در حوزه عرفان ایرانی شد.

از شش تشبیه *اوستا* چهار مورد از نوع مرگب و دو مورد از نوع مفرد است. در تشبیه مرگب، هیئتی از تصاویر به هیئتی دیگر مانند می‌شود (رجایی، ۱۳۵۹: ۲۷۰) و طبعاً میان عناصر سازنده این تصاویر، کنش و تعاملی برقرار است که تشبیه را پویاتر و در نتیجه، هنری‌تر و اثرگذارتر می‌کند؛ زیرا «پویایی، تداعی کنش و حرکت به هر شکلی در اثر هنری است» (جبری، ۱۳۹۱: ۴۸). این تشبیهات مرگب نشان می‌دهند مؤلفان متون دینی در ساخت تصاویر مرتبط با اهوره‌مزدا، به حفظ معیارهای زیبایی‌شناسانه توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. این تشبیهات مرگب بدین قرارند: اهوره‌مزدا برای انسان پیرو راستی، به بادی پرتوان مانند شده که دشت را از خاشاک و هرچه آلودگی است، می‌پالاید. سخنان او در برابر پندار، گفتار و کردار بد، به آتشی مانند است که بر هیزم خشک افتد و نام‌های او در برابر گروه نابکاران و اهریمن چنان است که هزار مرد در برابر یک مرد ایستند. تشبیهات مفرد نیز توان پاسداری اسامی اهوره‌مزدا را به جوشن و روان او را به کلام مقدس مانند کرده است.

در دو تشبیه دیگر که به متون پهلوی گزارش شطرنج و نهش نیواردشیر و بندهش اختصاص دارد، هرمزد در جایگاه مشبه‌به قرار گرفته است، در واقع، مؤلفان کوشیده‌اند پدیده دیگری را با مانند کردن به هرمزد معرفی کنند. اینجا توجه به این نکته ضروری می‌نماید که این تشبیهات متعلق به دوره ساسانیان است؛ زمانی که دین مزدیسنا به عنوان دین رسمی کشور ایران تثبیت شده و مردم با مبانی فکری و اعتقادی آن آشنا بوده‌اند؛ بنابراین، هرمزد در جایگاه مشبه‌به، اعراف از مشبه است.

متن پهلوی گزارش شطرنج و نهش نیواردشیر (منقول در کتاب *متون پهلوی*) درباره چگونگی اختراع تخته نیواردشیر توسط بزرگمهر بختگان، وزیر خسرو انوشیروان است. بزرگمهر هرکدام از اجزای بازی تخته نیواردشیر را به مدد تشبیهی برگرفته از هستی‌شناسی بهدینان توضیح می‌دهد و هرمزد را در جایگاه مشبه‌به می‌نشانند و عدد یک برگردانه را به یگانگی او مانند می‌کند.

این تشبیه از نوع حسّی به عقلی است که در متون کم‌شمار است؛ زیرا درک معقولات به ذات خویش با پیچیدگی، ابهام و دشواری‌هایی همراه است و مهم‌ترین غرض از تشبیه که بیان حال مشبّه و تقریر و توضیح آن است، از مشبّه به عقلی به راحتی عاید نمی‌شود؛ اما در این تشبیه، تخته نیواردشیر اختراعی جدید و ناشناخته است و هرمزد، نام خدای یگانه مزدیسنان که غالب مردم ایران بدان مؤمن بوده و آن را می‌شناخته‌اند. پس برخلاف آنچه مرسوم است، امر عقلی در این تشبیه، آشکارتر از امر حسّی است.

فصلی در بندهشن به بیان شباهت‌های میان تن مردمان و گیتی بر پایه هستی‌شناسی زرتشتی اختصاص دارد.

بر اساس این تشبیهات، وجود انسان، جزء به جزء با جهان هستی تطبیق پذیر است. این اندیشه بعدها در ادبیات عرفانی به صورت اطلاق عالم صغیر به انسان، در برابر کل هستی که عالم کبیر است، مطرح می‌شود. در میان اجزای هستی، روان انسان به واسطه جایگاه ویژه‌اش در بدن و نقش محوری در نیروبخشیدن به تن، به هرمزد مانند شده است.

۲-۳. انگره‌مینو و تشبیهات آن

در سروده‌های گاهان که قدیم‌ترین و مقدس‌ترین قسمت *اوستا* است (کلنز^۱، ۱۳۸۶: ۱۲)، زرتشت از «مینوی دروند» (هات ۵۳، بند ۷)، «مینوی ناپاک» (هات ۴۵، بند ۲) و «بدترین منش» (هات ۳۰، بند ۶) در تقابل و ستیز با سپننه‌مینو سخن گفته است (هات ۳۰، بند ۳). مینوی دروند در اندیشه و گفتار و کردار، بد است (همان). در برابر زندگی، نازندگی را بنیاد می‌نهد (هات ۳۰، بند ۴) و بر آن است تا به یاری دیوگزینان، زندگی مردمان را تباه کند (هات ۳۰، بند ۶).

در گاهان برای این مینو نام خاص ذکر نشده (هینلز^۱، ۱۳۹۱: ۸۰). نام‌های اهریمن و انگره مینو برای نخستین بار در یسنا (سرآغاز، بند ۱۴ و هات ۵۷، کرده ۱۷) به کار رفته و گاه با صفاتی همچون نابکار (هات ۲۷، بند ۱)، ناپاک (هات ۵۷، بند ۳۲) و تبه‌کار (اردیبهشت یشت، بند ۱۴) همراه شده است.

در قدیم‌ترین بخش‌های *اوستا* تقابل مستقیم میان اهوره مزدا و اهریمن وجود نداشته و دو مینوی همزاد که در مرتبه‌ای فروتر از خدای واحد قرار دارند، با یکدیگر نبرد می‌کنند.

مینوی دروند در گاهان، همزاد سپننه مینوست و سپننه مینو فرزند اهوره مزدا (هات ۴۷، بند ۳) یا به گفته پوردادود، «قوة اهوره مزداست، نه خود او» (گات‌ها: ۷۲). «زدو خورد در طی روزگاران در میان قوه خوبی و بدی است. در هر جای از گات‌ها که صحبت از انگره مینو شده است، آن را در مقابل سپنتامینو می‌بینیم، نه در مقابل اهوره مزدا» (همان). بر همین اساس، احتمالاً این مبارزه که هدف از آفرینش انسان را نیز توجیه می‌کند، مشیت اهوره مزداست؛ اما به مرور، اهوره مزدا با نیروی یاری‌دهنده‌اش یکی شمرده شده و در متون فارسی میانه، مقابل اهریمن قرار گرفته است.

بر اساس روایت کتاب بندهشن از آغاز آفرینش، اهریمن در تاریکی ژرف جای دارد. قدرت او محدود است و ویرانگری خوی اوست. به آفریدگان نیک هر مزد رشک می‌ورزد، بدان می‌تازد و برای مبارزه، پتیاره آفرینی می‌کند. در نتیجه این تازش، نیکی و بدی در هم می‌آمیزند و نبرد دو نیرو آغاز می‌شود. چنان‌که از این متن برمی‌آید، اهریمن نیز مانند هر مزد دارای قدرت آفرینندگی است؛ اما آفرینش او هدف و مبنای مستقل ندارد و صرفاً برای تقابل با آفریدگان اهورایی صورت پذیرفته است. این نبرد به نابودی اهریمن و نیروهایش می‌انجامد و جهان به پاکی آغازین بازمی‌گردد (نک: دادگی، ۱۴۰۰: ۳۴ و ۳۵).

واژه اهریمن چهار بار در ساختار تشبیهات متون دینی مورد مطالعه به کار رفته است که دو مورد آن متعلق به گزیده‌های زادسپرم و دو مورد متعلق به بندهش است که هر دو کتاب از متون متأخر فارسی میانه (قرن سوم) هستند. گزارش این تشبیهات بدین شرح است:

- در دین چنان پیداست (= تصریح شده است) که اهریمن ماه فروردین روز اورمزد در نیمروز (=ظهر) به مرز آسمان فراز آمد. آسمان به سبب جداگوهری (= ناهم‌نژادی، مغایرت طبع) آن گونه ترسید که میش از گرگ لرزد (گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۸۵: ۳۷).

- مشبه: آسمان در برابر اهریمن / مشبه‌به: میش در برابر گرگ / وجه شبه: ترسیدن
- تشبیه مفصل مرسل مرکب / عقلی به حسّی

- [اهریمن] مانند مار از سوراخی بیرون آمد و همه زمین را گزند اندر ایستاد (همان).

- مشبه: اهریمن / مشبه‌به: مار / وجه شبه: بیرون آمدن از سوراخ
- تشبیه مفصل مرسل مفرد / عقلی به حسّی

- [اهریمن] ماه فروردین، روز هرمزد، (به هنگام) نیمروز در تاخت. آسمان آن گونه از او ترسید که گوسفند از گرگ (دادگی، ۱۴۰۰: ۵۲).

- مشبه: آسمان برابر اهریمن / مشبه‌به: گوسفند برابر گرگ / وجه شبه: ترسیدن
- تشبیه مفصل مرسل مرکب / عقلی به حسّی

- او [اهریمن] چون ماری آسمان زیر این زمین را بسفت و خواست (که آن را) فراز

بشکند (همان)

- مشبه: اهریمن / مشبه‌به: مار / وجه شبه: سفتن زمین
- تشبیه مفصل مرسل مفرد / عقلی به حسّی

در گزیده‌های زادسپرم، اهریمن یک بار در تشبیهی مرکب به گرگ و بار دیگر در تشبیه مفرد به مار مانند شده است. در بندهش نیز واژه اهریمن عیناً به مار و گرگ تشبیه

شده است، با این تفاوت که وجه شبه اهریمن به مار، در کتاب گزیده‌های زادسپرم، بیرون آمدن از سوراخ است و در کتاب بندهش، سفتن زمین که البته بی تناسب نیستند (نک: جدول شماره ۳). این شباهت در میان تشبیهات به کاررفته در این متون نمی‌تواند از سر تصادف باشد؛ بلکه احتمالاً نویسنده یکی از این آثار، متأثر از دیگری بوده یا اینکه تشبیه اهریمن به مار و گرگ، تشبیهی رایج و مرسوم بوده که به هر دو اثر راه یافته است.

هر چهار تشبیه از نوع عقلی به حسی است و مشبّه‌ها در زمره حیوانات گزندانسان و مهیب‌اند. مؤلف برای تصویرسازی چهره اهریمن، از محسوسات پیش‌پاافتاده بهره گرفته و زیبایی یا بدیع بودن تشبیه را به هیچ روی مد نظر نداشته است. این امر نشان می‌دهد منفور یا محبوب بودن پدیده‌ای که در جایگاه مشبّه قرار می‌گیرد، در کارکرد زیبایی‌شناسی تشبیه، نقش تعیین‌کننده دارد. با آنکه اهوره‌مزدا و اهریمن هر دو از موضوعات انتزاعی و پیچیده آیین زرتشت‌اند، تقدس و محبوبیت واژه اهوره‌مزدا باعث شده تشبیهات به کاررفته برای آن، هنری‌تر و کامل‌تر باشد و عناصر سازنده تشبیه، با حرکت و پویایی همراه باشند؛ در حالی که در مورد اهریمن چنین نیست.

۳. نتیجه‌گیری

مینو، اهوره‌مزدا و اهریمن، مفاهیمی بنیادین در آیین زرتشت‌اند که درک و دریافت آن‌ها در خوانش متون دینی مزدیسنا اهمیت ویژه‌ای دارد؛ از این رو، مؤلفان متون دینی برای تجسم‌بخشیدن به آن‌ها و تحقق اهداف تعلیمی‌شان، از فن تشبیه بهره گرفته‌اند. شمار زیاد تشبیهات عقلی به حسی در شواهد بررسی شده، فرضیه نگارندگان را مبنی بر استخدام آگاهانه این تشبیهات در متون دینی تأیید می‌کند و نشان می‌دهد پدیدآورندگان این متون، تشبیه حسی را ابزار مناسبی برای انتقال مفاهیم عقلی دانسته‌اند و با قراردادن این سه مفهوم انتزاعی در جایگاه مشبّه و آوردن عناصری قابل فهم، محسوس و عامه‌پسند در جایگاه مشبّه‌ها، این مفاهیم متعالی را ادراک‌پذیر ساخته‌اند. در

واقع، آنچه بعد از شکل‌گیری مبانی نظری علم بلاغت از سوی دانشمندان این حوزه مطرح شد، پیش‌تر به وسیله مؤلفان متون دینی زرتشتی به کار گرفته شده بود. نتایج پژوهش حاضر حکایت از آن دارد که تشبیه مینو به عناصری از حوزه رزم و نبرد، نقشی فراتر از جان‌بخشی برای آن تعریف کرده است. مینو با پیوستن به خصلت‌های نیک و عناصر طبیعت به آن‌ها قدرت و توان مبارزه می‌بخشد. در واقع، آنچه انسان دارای فضایل اخلاقی را از گزند اهریمن مصون می‌دارد، نه خصلت‌های نیک، بلکه مینوی این خصلت‌هاست. عناصر طبیعت همچون آسمان و باد نیز به کمک مینو با اهریمن نبرد می‌کنند؛ بنابراین، می‌توان مینو را جان‌کنشگر و مبارز جهان‌اشه دانست که آن را به سمت پیروزی بر اهریمن سوق می‌دهد.

بر اساس نتایج این پژوهش، تفکر غالب در ساخت این تشبیهات، حفظ رویکرد تعلیمی است؛ اما در عین حال، زیبایی‌شناسی نیز در آن دخیل بوده است. این امر با مقایسه تشبیهات اهوره‌مزدا و اهریمن به خوبی نمایان می‌شود. غالب تشبیهات اهوره‌مزدا از نوع مرگ‌باند و تمام تشبیهات اهریمن از نوع مفرد. تشبیه مرگ‌بند به سبب تصویرسازی و ایجاد پویایی و حرکت در تصاویر، هنری‌تر است. در حوزه انتخاب واژگان و تصاویر نیز توجه نویسندگان به زیبایی‌شنایی مشهود است؛ چنان‌که به‌عنوان نمونه، دین اهوره‌مزدا به بادی پرتوان که دشت را می‌پالاید یا آتشی که هیزم خشک را می‌سوزاند مانند شده، در حالی که مهیب‌ترین و گزنده‌ترین حیوانات، مشبّه به اهریمن قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۱- مینو در ساختار تشبیه

ردیف	متن	تعداد تشبیهات	مشبه	مشبه‌به	وجه شبه	توضیح
۱	مینوی خرد	۸	مینوی خرسندی	سلاح و زره و جوشن	-----	در تمام این موارد، واژه مینو به مفاهیم

انتزاعی تعلق دارد.						
	-----	سپر	مینوی راستی			
	-----	گرز	مینوی سپاسداری			
	-----	کمان	مینوی کامل فکری			
		تیر	مینوی رادی			
		نیزه	مینوی پیمان			
		آبدست	مینوی کوشش			
مینوی آسمان عنصری پویا و مبارز است که از آسمان محافظت می کند.	محافظت کردن	زره برای گردی ارتشتار	مینوی آسمان برای آسمان	۳	بندهش	۲
	-----	ارتشتاری اروند	مینوی آسمان			
	-----	جان نیامیخته	مینوی باد			

جدول شماره ۲- اهوره‌مزدا در ساختار تشبیه

ردیف	متن	تعداد	مشبه	مشبه به	وجه شبه	توضیح
۱	اوستا	۶	اهوره‌مزدا برای زرتشت	دوست برای دوست	پناه‌دادن	رابطهٔ دوسویهٔ انسان و پروردگار بر پایهٔ دوستی و مهرورزی بعدها دست‌مایهٔ خلق آثار عرفانی شد.
			سخنان مزدا در برابر گفتار، پندار و کردار بد	آتش در برابر هیزم خشک	ازهم گسیختن، نابود کردن	
			روان اهوره‌مزدا	کلام مقدس	-----	اهوره‌مزدا در این تشبیهات هیچگاه به تنهایی مشبه واقع نشده، بلکه متعلقات او موضوع تشبیه قرار گرفته‌اند.
			نام‌های اهوره‌مزدا	جوشن پشت سر وزره	----	

		پیش سینه				
	محافظت کردن	هزار مرد در برابر یک مرد	نام‌های اهوره‌مزدا در برابر اهریمن و نابکاران			
	پاک کردن	بادی پرتوان برای دشت	دین اهوره‌مزدا برای اشون			
	جایگاه ویژه و برتر، نیروبخشی فراگیر	هرمزد	روان انسان	۱	بندهش	۲
	یگانگی	هرمزد	عدد یک گردانه	۱	متن‌های پهلوی (گزارش شطرنج و نهبش نیواردشیر)	۳

جدول شماره ۳- اهریمن در ساختار تشبیه

توضیح	وجه شبه	مشبه‌به	مشبه	تعداد	متن	ردیف
-------	---------	---------	------	-------	-----	------

مشبهه‌هایی که برای اهریمن آمده، در هر دو کتاب یکسان‌اند؛ بنابراین، احتمال تأثیر و تأثر یا اشتها این تشبیه‌ها در زمان تألیف وجود دارد.	ترسیدن	میش برابر گرگ	آسمان برابر اهریمن	۲	گزیده‌های زادسپرم	۱
	بیرون آمدن از سوراخ	مار	اهریمن			
	ترسیدن	گوسفند برابر گرگ	آسمان برابر اهریمن	۲	بندهش	۲
	سفتن زمین	مار	اهریمن			

منابع

- _ اکبری مفاخر، آرش (۱۳۸۸)، **مینوشناسی اهریمن در اوستا و متون پهلوی**، مجله جستارهای نوین ادبی، شماره ۱۶۷، صص ۱۲۷-۱۵۰.
- _ **اوستا** (۱۳۷۰)، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران: مروارید.
- _ بویس، مری (۱۳۷۷)، **چکیده تاریخ کیش زرتشت**، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: صفی علیشاه.
- _ جبری، سوسن (۱۳۹۱)، **نقد زیبایی‌شناسی هنری در متن ادبی**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۳، شماره ۵، صص ۳۱-۶۲.

- حیدری، مریم (۱۳۹۱)، **صور خیال در اوستا**، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- رجایی، محمدخلیل (۱۳۵۹)، **معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع**، ج ۳، شیراز: دانشگاه شیراز.
- فرنیخ دادگی (۱۴۰۰). **بندهش**، گزارش مهرداد بهار، چ ۷، تهران: توس.
- کرامتی مقدّم، سیدعلی (۱۳۹۴)، **تشبیه، مهم ترین عنصر خیال و تصویرآفرینی در شعر رودکی**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۶، شماره ۱۲، صص ۱۳۷-۱۶۰.
- کلنز، جان (۱۳۸۶)، **مقالاتی درباره زرتشت و دین زرتشتی**، ترجمه احمدرضا قائم مقامی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- **کات‌ها** (۱۳۹۸)، تفسیر و تألیف ابراهیم پورداود، چ ۵، تهران: اساطیر.
- **متون پهلوی** (۱۳۷۱)، گردآوری جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا، گزارش و آوانوشت سعید عریان، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- **مینوی خرد** (۱۳۸۵)، ترجمه احمد تفضلی، چ ۴، تهران: توس.
- **وزیدگی‌های زادسپرم** (۱۳۸۵)، به کوشش محمدتقی راشد محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هاشمی، سیداحمد (۱۳۷۷)، **جواهر البلاغه**، بیروت: المکتب العصریه.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰)، **معانی و بیان**، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: هما.
- **یسنا** (۱۳۸۷)، تفسیر و تألیف ابراهیم پورداود، تهران: اساطیر.
- **یشت‌ها** (۱۳۹۴)، تفسیر و تألیف ابراهیم پورداود، ج ۱، چ ۲، تهران: اساطیر.
- **یشت‌ها** (۱۳۹۴)، تفسیر و تألیف ابراهیم پورداود، ج ۲، چ ۲، تهران: اساطیر.
- Harrison, s. Victoria (2007), **Metaphor, Religious Language, and Religious Experience**. Sophia, 46(2), pp.127-145
- Kreyenbroek, Philip, G (1993), **On Spanta Mainyu's Role in the Zoroastrian Cosmogony**, New Series, Vol. 7, Iranian Studies in Honor of A. D. H. Bivar, pp. 97-103.
- Jackson, A, V, Williams (1899), **Ormazd, or the ancient Persian idea of God**, The monist, vol.9, No.2.

